

بررسی واژه‌بست‌ها و همخوان‌های پایانی گویش تاتی ناکستان براساس نظریه بهینگی

جواد رحمانی^{۱*}، محمدرضا اروجی^۲ و بهزاد رهبر^۲

۱- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، زنجان، ایران

۲- استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، زنجان، ایران

چکیده

پژوهش حاضر تلاشی است در جهت بررسی واژ- واجی واژه‌بست‌ها و حذف همخوان‌های گویش تاتی ناکستان در چارچوب نظریه بهینگی. منظور از فرایندهای واژ- واجی آن دسته از تغییرات واجی است که در بافتی صرفی، یعنی در مرز بین تکواژها ایجاد می‌شود و انگیزه آوایی دارد. روش پژوهش به صورت تحلیلی بوده و داده‌های پژوهش از کتاب‌های تاتی، رادیو و شبکه‌های محلی گردآوری شده‌اند. متغیرهای زبانی بر اساس نوع فرایندهای آوایی و واژگانی دخیل مورد بررسی قرار گرفتند. در این پژوهش بر آن بودیم تا به واکاوی چگونگی عملکرد فرایندهای واژ-واجی از دیدگاه بهینگی در واژه‌بست‌ها و حذف همخوان‌های پایانی گویش تاتی بپردازیم. نهایتاً، براساس داده‌های موجود به این نتیجه دست یافتیم که در این زبان گاهی فرایند حذف و گاهی درج در مرز تکواژی رخ می‌دهد، هرچند فرایند حذف در پیشوندها از مرتبه بالاتری نسبت به درج برخوردار است. اما این امر نشان‌دهنده‌ی همنوایی یا همان دسیسه‌ی واجی می‌باشد که نشان می‌دهد مرتبه‌بندی محدودیت‌های جهانی در این گویش صادق بوده و محدودیت‌های موجود در آن با محدودیت‌های جهانی همسو است. این پژوهش به پیکره دانش زبانی زبان‌شناسان در مورد گویش تاتی افزوده و پژوهشگران را در شناخت هرچه بیشتر فرایندهای واژ- واجی گویش تاتی و تطابق آن با جهانی‌های این حوزه یاری می‌رساند.

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۳ بهمن ماه ۹۶

پذیرش: ۲۴ دی ماه ۹۷

واژه‌های کلیدی:

گویش تاتی

نظریه‌ی بهینگی

محدودیت‌ها

فرایند واژ- واجی

واژه‌بست

* نویسنده مسؤؤل

آدرس ایمیل: javad.rahmani.zaban@gmail.com (جواد رحمانی)

۱. مقدمه

در سال‌های اخیر در ایران نظریه بهینگی مورد توجه قرار گرفته است. نوشته‌ی در پیش رو به بررسی و توصیف اجمالی برخی فرایندهای واژواجی واژه‌بست‌ها و حذف همخوان‌های پایانی گویش تاتی تاکستان براساس نظریه بهینگی پرداخته و از این رهگذر نشان می‌دهد که چگونه در این گویش سطح واژی با سطح واجی در تعامل قرار می‌گیرد؛ به این معنا که اعمال یک قاعده واژی، اعمال یک قاعده واجی را به دنبال دارد. فرایندهای واژواجی زمینه‌ی مطالعاتی را فراهم می‌کنند که در مرز بین واج‌شناسی و صرف قرار می‌گیرد. این فرایندها صورت‌های مختلف گفتاری و نوشتاری مربوط به تکواژها را بدان جهت که برخی از واژه‌ها یا تکواژها در بافت‌های واژگانی یا دستوری به صورت‌های مختلف واجی درمی‌آیند، بررسی می‌کنند.

این پژوهش، میزان کفایت فرایندهای واژواجی واژه‌بست‌ها و حذف همخوان‌های پایانی گویش تاتی تاکستان را براساس نظریه بهینگی، به روش تحلیلی با استفاده از داده‌های این گویش به محک آزمون گذاشته است. بدین منظور علاوه بر اینکه داده‌ها از منظر این رویکرد جدید مورد کنکاش قرار می‌گیرند، این امکان نیز به وجود می‌آید تا کفایت مشاهده‌ای و تحلیلی مورد سنجش قرار گیرد زیرا این تحقیق به لحاظ بررسی فرایندهای مذکور دارای اهمیت بوده و از این نظر که تاتی، زبانی است که در معرض انقراض و نابودی می‌باشد، بنابراین انجام پژوهش‌هایی از این دست ضروری به نظر می‌رسد.

پرسش اصلی در این مقاله این است که «آیا نظریه بهینگی توانایی توصیف فرایندهای واژواجی در واژه‌بست‌ها و حذف همخوان‌های پایانی گویش تاتی تاکستان را دارد یا خیر؟» آنچه به‌عنوان فرضیه تحقیق پذیرفته شده تا تحقیق بر مبنای آن استوار باشد این است که «نظریه بهینگی قادر به توصیف فرایندهای واژواجی واژه‌بست‌ها و حذف همخوان‌های پایانی گویش تاتی تاکستان می‌باشد».

تاتی تاکستان در شهر تاکستان واقع در استان قزوین رایج است و از گویش‌های زبان تاتی از زبان‌های شمال غربی به شمار می‌رود. سبزی‌پور (۱۳۹۰) در زمینه تاتی تحقیقاتی انجام داده است. استیلو^۱ (۱۹۸۱) در یک طبقه‌بندی، تاتی تاکستان را در گروه تاتی جنوبی محسوب نموده است. یارشاطر (۱۹۶۲) به صورت مقدماتی و (۱۹۶۹) به تفصیل به بررسی جنبه‌های مختلف گویش تاتی منطقه رامند از جمله تاکستان پرداخته و طاهری (۱۳۸۸) ویژگی‌های دستوری گویش تاتی تاکستان را بررسی کرده است.

1. D.L. Stilo

۲. پیشینه پژوهش

۱-۲. مطالعات فرایندهای واژ - واجی در نظریه بهینگی در پژوهش‌های پیشین

تاکنون پژوهشی، در حوزه نظریه بهینگی به بررسی جنبه‌های مختلف گویش تاتی تاکستان به نگارش در نیامده، اما پژوهش‌های انجام‌گرفته در حوزه واج‌شناسی بهینگی به شرح زیر است: حیدری (۱۳۹۲) و زاهدی (۱۳۹۲) برای صورت‌های مرتبط فرایندهای واژ-واجی، صورت واجی واحدی در نظر گرفته و همین مطلب را در گونه معیار زبان فارسی با استفاده از درخت مشخصه‌ها، مورد تحلیل قرار داده‌اند. پاک‌نژاد (۱۳۹۵) به بررسی، تحلیل، تعیین، مرتبه‌بندی محدودیت‌های موجود حاکم بر فرایندهای واجی و ارائه ساخت هجای گویش دزفولی در چارچوب نظریه بهینگی پرداخته است و همگونی و ناهمگونی، واکه، حذف، درج، تضعیف، قلب و ابدال را نیز در مقاله‌اش مورد بررسی قرار داده است. آهنگر؛ رزم‌دیده و ناصری (۱۳۹۶) به بررسی برخی فرایندهای واجی نظیر سخت‌کامی‌شدگی، سایشی‌شدگی، درج‌آغاز، غیردهانی‌شدگی، انسدادی‌شدگی و واک‌رفتگی پایانی در گونه زبانی رودباری (اسلام‌آباد) در چارچوب نظریه بهینگی (پرینس و اسمولنسکی، ۱۹۹۳) پرداخته‌اند. صادقی و صادقی (۱۳۹۶) نیز فرایندهای صرفی - واجی در زبان کردی سورانی را در چارچوب این نظریه بررسی نموده‌اند. فرایندهای واژ-واجی در برخی از زبان‌های ایرانی مانند فارسی (بی‌جن‌خان، ۱۳۸۴)، کردی کلهری (بدخشان و زمانی، ۱۳۹۲)، ترکی آذربایجانی (رضی‌نژاد، ۱۳۹۱) مورد تحقیق قرار گرفته است. لذا براین اساس پژوهش حاضر اولین مطالعه‌ای است که به شکلی علمی در قالب نظریه بهینگی به بررسی و تحلیل جنبه‌های آوایی و واجی گویش تاتی تاکستان می‌پردازد.

۳. محدوده و روش تحقیق

با توجه به انعطاف‌پذیری روش تحلیلی که یکی از بنیادی‌ترین و بهترین روش‌های جمع‌آوری اطلاعات به‌خصوص در بررسی گویش‌ها می‌باشد، این روش - تحلیلی - اتخاذ شده است. این تحقیق محدود به شهر تاکستان بوده و داده‌ها از کتاب‌ها، رادیو و شبکه‌های محلی گردآوری شده است. مواد زبانی این مقاله به روش میدانی گردآوری شده، به این صورت که کلمات به روش مصاحبه از گویشوران تات زبان پرسیده، ضبط و ثبت گردیده است. متغیرهای زبانی لازم از درون آن واژگان استخراج شده و فرایندهای آوایی و واژگانی واژه‌ها مورد بررسی، تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

این پژوهش درصدد یافتن تعمیم‌های واجی براساس نظریه بهینگی در ساخت واجی واژه‌بست‌ها و حذف همخوان‌های پایانی واژواجی گویش تاتی تاکستان می‌باشد. در این راستا تعدادی از پیشوندهای پربسامد در این گویش انتخاب شده و گزینه‌های بهینه براساس سلسله مراتب محدودیت‌ها نشان داده شده‌اند.

۴. مبانی نظری

۴-۱. نظریه بهینگی

نظریه بهینگی تحولی در زبان‌شناسی زایشی بوده و واج‌شناسان به دنبال تعمیم‌های واجی می‌باشند. زبان‌شناسی زایشی به وجود دستور جهانی قائل است که تمرکز آن بر روی اصول و پارامتر زبان‌هاست. در واج‌شناسی جهانی تلاش برای یافتن این تعمیم‌هاست (کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۱۰). این رویکرد بر مبنای تحقیقات تجربی رده‌شناسی، عناصر روساختی را برای دستیابی به اصول جهانی مورد مطالعه قرار می‌دهد. نظریه بهینگی دارای رویکرد محدودیت بنیاد است که اولین بار توسط آلن پرینس و پاول اسمولنسکی^۱ (۱۹۹۳) در همایش واج‌شناسی دانشگاه آریزونا مطرح شد.

برای تحلیل فرایندهای واژ-واجی در چارچوب نظریه بهینگی، مدل‌هایی مانند مدل کاگر (۱۹۹۹) در بیان محدودیت‌های پایایی حساس به بافت صرفی، مدل بهینگی لایه‌ای کیپارسکی^۲ (۲۰۰۳)، اسمیت (۲۰۱۰)، مک کارتی^۳ (۲۰۱۱) و مدل فولر^۴ (۲۰۱۳) برای تحلیل فرایندهای واژواجی وجود دارند.

نظریه بهینگی مبتنی بر این بینش است که همه حوزه‌های زبان اعم از واج‌شناسی، تکواژشناسی و نحو «محدودیت بنیاد» هستند. این محدودیت‌ها همگانی بوده و از این رو ریشه در ساختار زیستی و ژنتیکی انسان دارد. وجود این «محدودیت‌ها» تبیین‌کننده اشتراک بین زبان‌هاست و «مرتب‌بندی» متفاوت بین این محدودیت‌ها در زبان‌های مختلف از یک سو و تخطی‌پذیری آن‌ها از سوی دیگر توجیه‌کننده تفاوت و تنوع بین زبان‌هاست. برخلاف رویکرد

1- Prince and P. Smolensky A

2- Kiparsk P.

3- MaCarthy J.

4- Fuller M.

۵۱ بررسی واژه‌بست‌ها و همخوان‌های پایانی گویش تاتی تاکستان براساس نظریه بهینگی

اصول و پارامترها که روساخت مجاز به‌طور مستقیم از زیرساخت مشتق می‌شود، در نظریه بهینگی، روساخت مجاز یکی از چندگزینه‌ای است که کمترین تخلف را از محدودیت‌های نقض‌پذیر جهانی دارد (بی‌جان‌خان، ۱۳۸۸: ۴۰-۳۵).

از این نظریه، بیشتر برای توصیف نظام آوایی زبان‌ها استفاده می‌شود تا توصیف نظام تکواژها و گروه‌های نحوی. بر این اساس، واج‌شناسی هر زبان در یک واحد ارزیاب خلاصه می‌شود که خود، شامل تعدادی محدودیت جهانی قابل نقض با ترتیب مشخصی است. درونداد واحد ارزیاب، چندگزینه آوایی است که دستگاه مولد براساس اصول آواشناسی عمومی از روی زیرساخت واجی می‌سازد. روساخت مجاز، یکی از گزینه‌هاست که کمترین تخلف را از محدودیت‌ها دارد یا به عبارت دیگر، بیشترین هماهنگی را با محدودیت‌ها داراست (دبیرمقدم، ۱۳۸۳: ۶۴۹-۶۴۷). براین اساس دو نوع محدودیت در واج‌شناسی بهینگی مطرح می‌شود: ۱- نشاننداری: با کمک آن می‌توان کاربرد کم یا زیاد برخی ساخت‌ها یا مقوله‌های زبانی و وجود برخی محدودیت‌ها در کاربرد آن‌ها را توجیه کرد. ۲- پایایی (وفاداری): هرگونه تغییر در عناصر آوایی در ونداد غیرمجاز است و این که یک محدودیت پایایی وابسته به بافت صرفی می‌باشد (فولر، ۲۰۱۳).

۴-۲- واژه‌بست^۱

واژه‌بست یک نوع تکواژ وابسته دستوری فاقد تکیه است که در ساخت‌های بزرگ‌تر از واژه شرکت می‌کند و از نظر آوایی با پایه خود یک واژه هجایی می‌سازد. (شقاقی، ۱۳۸۶).

۴-۳- هجا

هجا یکی از واحدهای واجی است که در مطالعات نوایی مورد بررسی قرار می‌گیرد. آن مقوله نوایی متشکل از همخوان‌ها و واکه‌ها می‌باشد که براساس قله‌رسایی دسته‌بندی می‌شود (هاموند^۲، ۱۹۹۷: ۳۴).

۴-۳-۱- ساخت هجا در نظریه بهینگی

در نظریه بهینگی می‌توان رده‌شناسی نظام‌های هجایی را با استفاده از سه محدودیت توضیح

داد:

1- clitics

2- M.Hammond

(۱) Onset: هجاها با یک همخوان آغاز می‌شوند (کاگر، ۱۹۹۹: ۹۳).
 (۲) No-Coda: هجاها به یک واکه ختم می‌شوند (کاگر، ۱۹۹۹: ۹۴).
 (۳) Faithfulness: هر چیزی را همان‌طور که هست تلفظ کنید (هاموند، ۱۹۹۷: ۳۶).
 در نظریه بهینگی این سه محدودیت توصیف ساده‌ای از نظام‌های هجایی زبان‌های موجود در جهان را ارائه می‌دهند. جدول زیر چهار نوع مرتبه‌بندی‌های موجود این محدودیت‌ها را نشان می‌دهد:

جدول ۱ - نمایش انواع نظام‌های هجایی با استفاده از مرتبه‌بندی محدودیت‌ها

نوع هجا	مرتبه‌بندی محدودیت‌ها
(C)V(C)	Faithfulness >> Onset, No-Coda
CV	Onset, No-Coda >> Faithfulness
CV(C)	Onset >> Faithfulness >> No-Coda
V(C)	No-Coda >> Faithfulness >> Onset

بنابراین براساس مرتبه‌بندی‌های معرفی شده در جدول فوق، تنها چهار رده زبانی از نظر نوع ساخت هجایی وجود دارد.

۴-۳-۲- ساخت هجا در گویش تاتی تاکستان

آواشناسان و واج‌شناسان گویش تاتی تاکستان از جمله طاهری (۱۳۸۸)، رحمانی (۱۳۹۳) الگوی هجاهای گویش تاتی تاکستان، CV, CVCC, CVC را می‌دانند. براساس نظر طاهری (۱۳۸۸) الگوی هجای سطح زیرین در نظام آوایی این گویش عبارت‌اند از: V, VC, VCC, CV, CVCC, CVC.

گویش تاتی تاکستان جزء دسته سوم از دسته‌بندی‌های رده‌شناسی یعنی جزء زبان‌های CV(C) قرار می‌گیرد که در سطح آوایی آن‌ها وجود آغاز اجباری و وجود پایانه ممکن است. مرتبه‌بندی محدودیت‌ها در گویش تاتی تاکستان به صورت زیر است:

مثال (۱) Onset >> Faithfulness >> No-Coda

واژه‌های گویش تاتی تاکستان:

/æsb/ (اسب)، /em/ (این)، /â/ (او)، /čöst/ (کفش)، /xor/ (خوب)، و /du/ (دوغ) دارای

الگوی هجایی V, VC, VCC, CV, CVCC, CVC هستند.

در زیر تابلوی بهینگی یک نمونه از این موارد ذکر می‌شود:

تابلو ۲ - برگرفته از کاگر، ۱۹۹۹

/du/	ONSET	FAITHFULNESS	NO-CODA
a. du			*
b. u	*!	*	

در تابلوی شماره ۲، گزینه b محدودیت وفاداری را نقض کرده است، زیرا یک واحد دروندادی را در برونداد حذف کرده است و به همین خاطر آغازه نیز ندارد و مهم‌ترین محدودیت گویش تاتی تاکستان یعنی Onset را نقض کرده و از تابلو حذف می‌شود. بدین ترتیب گزینه a که این محدودیت‌ها را نقض نکرده است، به‌عنوان گزینه بهینه انتخاب می‌شود. همین مرتبه‌بندی محدودیت‌ها صورت بهینه‌ها را که در صورت زیربنایی فاقد آغازه هستند، به‌دست می‌دهد.

۵. معرفی و تحلیل فرایندهای واژ - واجی واژه‌بست‌ها و حذف همخوان‌های پایانی در گویش تاتی تاکستان

این فرایندها براساس انواع تکواژها تقسیم‌بندی می‌شوند. تکواژها عبارت‌اند از ۱- تکواژ آزاد ۲- تکواژ وابسته. هر کدام از این دو نوع تکواژ بر مبنای داشتن معنا یا نقش دستوری به ترتیب به دو طبقه‌ی واژگانی، مجزا می‌شوند.

دسته اول به صورت‌هایی می‌پردازد که در اثر افزوده شدن یک تکواژ وابسته یا آزاد به یک پایه ایجاد می‌شوند و دسته دوم صورت‌هایی را در بر می‌گیرد که در اثر کنار هم قرار گرفتن دو تکواژ آزاد ایجاد می‌شوند. (شقایق، ۱۳۸۶: ۸۰). در ادامه به بررسی فرایندهای درج و حذف، در قالب مثال‌هایی پرداخته می‌شود. در هر قسمت پس از ارائه مثال و معرفی فرایند، به تحلیل آن در چارچوب نظریه بهینگی می‌پردازیم.

۵-۱- فرایند درج یا افزایش یا اضافه در گویش تاتی تاکستان:

هرگاه وندی که با واکه شروع شود به پایه‌ای بپیوندد که خود به واکه ختم می‌شود، برای جلوگیری از التقای واکه‌ها بین آن‌ها یک همخوان (واج میانجی) درج می‌شود. به عبارتی دیگر گاهی برای آسان شدن تلفظ میان دو مصوت یک صامت اضافه می‌شود که به آن واج میانجی می‌گویند که این میانجی گاه در نوشتار ظاهر می‌شود.

۵-۲- فرایند حذف یا کاهش در گویش تاتی تاکستان:

در طول عمر یک زبان گاهی واج‌های کلمه اندکاندک حذف می‌شوند. همچنین برای جلوگیری از التقای واکه‌ها حذف صورت می‌گیرد. در اینجا به شرح مرتبه‌بندی محدودیت‌ها و تابلوی بهینگی مربوط به گویش تاتی تاکستان می‌پردازیم:

۶. واژه‌بست‌ها

۶-۱- ضمائر پی‌بستی (پیوسته شخصی) به اسم^۱

طاهری (۱۳۸۸) براساس شواهد مورد استناد در واج‌شناسی زایشی بر این نکته تأکید می‌کند که بازنمایی زیرین این ضمائر در گونه محاوره‌ای، همان صورت‌هایی هستند که به انتهای صورت‌های مختوم به همخوان در می‌آیند، یعنی صورت‌های em(om)(m), i(ây), e, emon, eyon, ešon با پذیرفتن این پیش فرض، افزوده شدن ضمائر پیوسته شخصی به اسم‌ها نیز شرایط مشابه واژه‌بست‌های جمع و معرفه را دارد، یعنی نوع تغییر بستگی به این دارد که اسم به همخوان ختم شود یا به واکه.

۶-۱-۱- با افزوده شدن این ضمائر به اسم‌های مختوم به همخوان در گویش تاتی مانند /kõtâb+em/ (کتابم) درج صورت نمی‌گیرد و تنها الگوی هجایی اسم تغییر می‌کند، تا هجای بدون آغاز شکل نگیرد، مانند [kõ.tâ.bem].
مثال (۲) ALIGN-MORPH-R کار، ۱۹۹۹: ۱۱۵) لبه سمت راست یک تکواژ منطبق است با لبه راست یک هجا.

۱. ضمائر متصل شخصی به اسم

مرتب‌بندی محدودیت‌ها مانند مثال (۲) و جدول بهینگی مربوط به آن‌ها به قرار زیر است:

مثال (۲) ONSET >> MAX-IO, DEP-IO >> ALGIN-MORPH-R

تابلو ۳

/kõtâb/+/em/	ONSET	MAX-IO	DEP-IO	ALGIN-MORPH-R
☞ a.kö.tâ.bem				*
b. kö.tâb.em	!*			

در تابلوی شماره ۳، گزینه a به خاطر ابقاء محدودیت مهم ONSET در ازای نقض محدودیت‌های پایین مرتبه، بهینه است. گزینه b به خاطر داشتن یک هجای بدون آغازه، غیر بهینه‌اند.

۶-۱-۲- افزوده شدن ضمائر شخصی پیوسته به اسم‌های مختوم به واکه نیز التقاء واکه‌ها صورت می‌گیرد، مانند /bâbâ/ +/ em/ (پدربزرگم) و این بار برای رفع آن واکه ضمیر پی‌بستی و نه واکه اسم، حذف می‌شود. بنابراین محدودیت دیگری از خانواده MAX-IO را براساس الگوی واژه‌بست‌های گویش تاتی تاکستان تعریف می‌کنیم که در این‌گونه موارد اعمال می‌شود.

مثال (۳) MAX-V(clitic)

- هر واکه در صورت دروندادی واژه‌بست، دارای معادلی در صورت بروندادی واژه‌بست می‌باشد. (واکه واژه‌بست را حذف نکنید.)

بنابراین مرتبه‌بندی محدودیت‌ها و تابلوی بهینگی مربوط به آن‌ها بدین صورت است:

مثال (۴) ONSET >> MAX-IO, MAX-V (clitic) >> DEP-IO, ALGIN-MORPH-L

جدول ۴

/bâbâ/+/em/	ONSET	MAX-IO	MAX-V (clitic)	DEP-IO	ALGIN-MORPH-L
☞ a.bâ.bâm			*		*
b. bâ.bâ. em	!*				

جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که گزینه a بهینه است زیرا از بی‌نشان‌ترین اصل تخطی کرده

است. گزینه b غیر بهینه است چون از اصل ONSET تخطی کرده است. در برخی از گونه‌های گویش تاتی تاکستان، درج صورت می‌گیرد. بدین ترتیب مرتبه‌بندی محدودیت‌های عنوان شده در مورد این گونه‌ها و تابلوی بهینگی مربوط به آن‌ها بدین صورت است:

ONSET >> MAX-IO >> DEP-IO , ALGIN-MORPH-R (مثال ۵)

جدول ۵

/xâka/ +/eš/	ONSET	MAX-IO	DEP-IO	ALGIN-MORPH-R
a. xâ.ka .reš ^۱			*	*
b. xâ.ka.eš	*!			

جدول شماره ۵، نشان می‌دهد که گزینه a با نقض کردن محدودیت‌های DEP-IO و ALGIN-MORPH-R، به‌عنوان گزینه بهینه انتخاب می‌شود. گزینه‌های b به خاطر نقض محدودیت مربوط به آغاز در این تابلو بازنده و حذف می‌شود.

۲-۶- حروف اضافه در ترکیب با ضمائر شخصی پیوسته

در گویش تاتی تاکستان هنگامی که ضمائر شخصی پیوسته پیش از حروف اضافه قرار می‌گیرند، واکه اول ضمائر پیوستی با حرف اضافه پس از خود همگون می‌شود، مانند:

/de/ در کلمات [tej.de] (تو هم)، [ʔæz.te^۲] (من و تو). بنابراین محدودیت‌های IDENT-IO(low)، HARMONY-IO، ONSET و ALGIN-MORPH-L عمل می‌کنند.

محدودیت IDENT-IO(low) این بار به‌صورت تعمیم یافته دیگری عمل می‌کند:

مثال (۶) IDENT-IO(low) (کاگر، ۱۹۹۹: ۳۷۸)

- اگر درونداد حاوی V1...V2 باشد آنگاه V1, V2 در افتاده بودن یکسان می‌شوند.

برونداد: V^۲

مرتبه‌بندی محدودیت‌ها و تابلوی بهینگی مربوط به برونداد [ʔæz.tæ] به صورت زیر است:

۱- خواهرش

۲- در گویش تاتی تاکستان /ɛ/ دارای مشخصه آوایی پیشین، متوسط (نیمه باز) بوده و صدایی بین /e/ و /a/ می‌باشد

مثال (۷) ONSET >> HARMOMY – IO >> IDENT-IO (low) >> ALGIN-MORPH-L

تابلو ۶

/ æz+tɛ/	ONSET	HARMO MY -IO	DEP- IO(low)	ALGIN-MORPH-R
a. ?æz.tɛ		* !		*
b. ?æz.tæ			*	*
c. æz.tɛ	* !		*	

در تابلوی شماره ۶، گزینه b بهینه است زیرا از بی‌نشان‌ترین محدودیت‌ها تخطی کرده و گزینه a محدودیت HARMOMY – IO نقض کرده است و به همین دلیل از صحنه رقابت خارج شده است. گزینه c تخطی از اصل ONSET بوده و همانند گزینه a گزینه غیربهینه در نظر گرفته می‌شود.

- در نمونه /ânâ.on/ (به معنی آن‌ها) به خاطر توالی دو واکه التقاء واکه‌ها صورت می‌گیرد و برای رفع آن یک همخوان درج می‌شود. از آنجا که واکه پیشین افراشته در بافت وجود ندارد، /?/ درج نمی‌شود. همچنین در این فرایند، حروف اضافه و ضمیر پیش از آن‌ها به صورت یک واحد تلقی می‌شوند و همگونی صورت می‌گیرد. بنابراین ضمائر بی‌بستی واژه نوایی جدا در نظر گرفته نمی‌شوند که همخوان /z/ درج شود و در نتیجه درج /z/ به عنوان میانجی صورت می‌گیرد.

مثال (۸) *V-V/lar (کاگر، ۱۹۹۹: ۱۰): همخوان حنجره‌ای در جایگاه بین واکه‌ای نشاندار است.

مثال (۹) *V-V/V (کاگر، ۱۹۹۹: ۱۱): (نیم‌واکه) همخوان غلت در جایگاه بین واکه‌ای نشاندار است.

بدین ترتیب در مرتبه‌بندی (۱۱) محدودیت DEP-IO وارد می‌شود. مرتبه‌بندی جدید و

تابلوی بهینگی مربوط به برونداد [ânâ.jon] به صورت زیر است:

مثال (۱۰) ONSET >> DEP-IO >> *V-V/lar >> *V-V/V >> ALIGN -MORPH-L

تابلو ۷

/ ânâ/ +/on/	ONSET	DEP-IO	V-*V/Lar	V-*V/V	ALIGN-L
a. ?ânâ.jon		**		*	**
b. ?ânâ.?on		**	*!		**
c. ânâ.on	*!				

در تابلوی شماره ۷، گزینه a با درج همخوان میانجی از بروز هجای بدون آغاز خودداری کرده است و به خاطر درج، الگوی هجایی تغییر نموده است. از محدودیت غیر مهلک *V-V/V تخطی کرده ولی باز هم گزینه بهینه محسوب می‌شود. گزینه b به خاطر نقض محدودیت V-Lar* و گزینه c به خاطر نقض ONSET از صحنه خارج می‌شوند.

ONSET >> DEP-IO >> ALGIN-MORPH-L مثال (۱۱)

تابلو ۸

/ ânâ/ +/on/	ONSET	DEP-IO(low)	ALGIN-MORPH-R
a.ʔâ.nâ.jon		*	**
b.ʔâ.nâ.on	*!		*

در تابلوی شماره ۸، گزینه a با درج همخوان میانجی از بروز هجای بدون آغاز خودداری کرده و به خاطر درج، الگوی هجایی تغییر کرده است. گزینه b به خاطر نقض ONSET از صحنه خارج می‌شوند.

۷- فرایندهایی که در اثر کنار هم قرار گرفتن دو تکواژ آزاد ایجاد می‌شوند.

۷-۱- تبدیل همخوان واکدار به بی‌واک

در داده‌هایی مانند [æz+sær] (به معنی دوباره)، [læb+pær] (به معنی لپ پر)، [âb+pæz] (به معنی آب پز) و داده‌های مشابه که در آن‌ها دو همخوان هم جایگاه به لحاظ تولیدی که اولی (در پایانه هجای اول) واکدار و دومی (در آغاز هجای دوم) بی‌واک است، همگونی ایجاد می‌شود و همخوان اول نیز به صورت بی‌واک در برون‌داد ظاهر می‌شود. دو محدودیت جهانی برای توجیه این فرایند به کار می‌روند، محدودیتی که تنها بروز همخوان‌های بی‌واک را در پایه هجا مجاز می‌داند و همچنین محدودیت دیگری که توالی همخوان‌های گرفته را با ارزش‌های یکسانی در مشخصه [واک] مجاز می‌داند. این محدودیت‌ها با یک محدودیت وفاداری که یکسان بودن مشخصه واکداری همخوان‌ها را در درون‌داد و برون‌داد، تضمین می‌کند، در تعارض قرار می‌گیرد. بنابراین محدودیت‌های موردنیاز و مرتبه‌بندی و تابلوی بهینگی مربوط به آن‌ها صورت زیر است:

مثال (۱۲) AGREE (voice) (لومباردی^۱، ۲۰۰۴: ۳۴۷):

- توالی همخوان‌های گرفته باید ارزش یکسانی در مشخصه [واک] داشته باشند.

مثال (۱۳) *VOICED-CODA * (کاگر، ۱۹۹۹: ۴۰)

- همخوان‌های گرفته پایانی نباید واکدار باشند.

مثال (۱۴) ONSET >> AGREE , *VOICED-CODA >> IDENT-IO (Obs Vce)

تابلو ۹

/ âb/+/pæz/	ONSET	AGREE	*VOICED -CODA	IDENT-IO (Obs Vce)
a. ?âp.pæz				*
b. ?âb.bæz			* !	*
c. ?âb.pæz		* !	*	
d. âp.pæz	* !			*

در تابلوی شماره ۹، گزینه a بهینه است، زیرا به قیمت تخطی از دو محدودیت غیرمهلک IDENT-IO (Obs Vce) از بروز صورت نشاندار یعنی همخوان‌های گرفته واکدار در پایانه خودداری می‌کند و در ضمن دو همخوان گرفته متوالی هر دو بی‌واک هستند. گزینه b با اینکه دارای توالی دو همخوان واکدار است، ولی محدودیت *VOICED-CODA را نقض کرده است و به همین علت غیربهینه است. گزینه c که به درونداد وفادار است، هر دو محدودیت مرتبه بالاتر را نقض می‌کند یعنی محدودیت AGREE را نقض می‌کند و به عنوان گزینه غیر بهینه از صحنه خارج می‌شود. گزینه d نیز با تخطی از محدودیت مهم ONSET به‌عنوان گزینه غیر بهینه حذف می‌شود.

۷-۲- حذف همخوان پایانی

۷-۲-۱- داده‌هایی مانند /dözd/+/gir/ (به معنی دزدگیر)، /fekr/+/kâr bâšindæn/ (به

معنی فکر و اندیشه را به کار انداختن) و داده‌های مشابه در گویش تاتی تاکستان به‌صورت [fek.kâr.bâšindæn] تلفظ می‌شود. در واقع در گویش تاتی تاکستان معمولاً از بروز پایانه

1. L.Lombardi

پیچیده اجتناب می‌شود و این گرایش وجود دارد که هجای CVCC در هر صورت به هجای CVC تبدیل شود. بدین ترتیب به قیمت حذف یک همخوان از بروز پایانه پیچیده در برونداد خودداری می‌شود. بنابراین محدودیت‌های مورد نیاز و مرتبه‌بندی و تابلوی بهینگی مربوط به آن‌ها به صورت زیر است.

مثال (۱۵) COMPLEX-CODA* (کاگر، ۱۹۹۹: ۹۷): (پایه هجا باید ساده باشد).

COMPLEX-CODA>>MAX-IO

مثال (۱۶)

تابلو ۱۰

fekr/+/ kârbâšindæn//	* COMPLMAX-CODA	MAX-IO
☞ a. fek. kârbâšindæn		*
b. fekr. kârbâšindæn	*!	

در تابلوی شماره ۱۰، گزینه a با حذف یک همخوان از بروز پایانه پیچیده در برونداد خودداری کرده است و گزینه بهینه می‌باشد. در مقابل گزینه b به درونداد وفادار بوده و تغییری در هجای پیچیده ایجاد نکرده است، لذا گزینه غیربهینه می‌باشد.

۷-۲-۲- اگر این کلمات با الگوی هجایی CVCC پیش از تکواژهای آغازین قرار بگیرند، این بار برای جلوگیری از بروز پایانه پیچیده حذف صورت نمی‌گیرد، بلکه هجابندی دوباره صورت می‌گیرد تا از بروز هجای بدون آغاز در تکواژ دوم نیز جلوگیری شود و به این ترتیب باز هم هجای CVCC به CVC تبدیل می‌شود. بنابراین محدودیت‌های مورد نیاز و مرتبه‌بندی و تابلوی بهینگی مربوط به آن‌ها به صورت زیر است:

مثال (۱۷) ONSET >>* COMPIMAX-CODA>> MAX-IO>> DEP-IO, ALIGN-MORPH-R

تابلو ۱۱

fekr/+/on/^\/	ONSET	COMPLMAX-CODA	MAX-IO	DEP-IO	ALIGN-MORPH-L
☞ a. fek.ron					*
b. fe.kon			*!		*
c. fekr.on	*!	*			
d. fekr.o	*!	*			

تابلوی شماره ۱۱، نشان می‌دهد که گزینه بهینه، یعنی a به قیمت تنها یک‌بار نقض ALIGN-MORPH-R محدودیت‌های درجه بالاتر را اثناء کرده است. گزینه b با نقض محدودیت MAX-IO پایانه پیچیده را شکسته که نقض آن مجاز نیست و به همین علت از صحنه رقابت حذف شده است. گزینه c هم دارای پایانه پیچیده بوده و هم محدودیت ONSET را که در مرتبه بالایی قرار دارد، نقض کرده است و در واقع با نقض *COMPLEX-CODA از تابلو حذف می‌شود. گزینه d هم دارای پایانه پیچیده است و هم هجای بدون آغاز و چون محدودیت ONSET مرتبه بالاتری دارد، با نقض آن حذف می‌شود.

۸. نتیجه‌گیری

پس از تحلیل و بررسی داده‌ها و به دست آوردن الگوهای گویش تاتی تاکستان از طریق محدودیت‌ها و مقایسه آن با سایر گونه‌های زبان تاتی تاکستان بخشی از فرایندهای واژه‌جایی واژه‌بست‌ها و حذف همخوان‌های پایانی این گویش در چارچوبی جدید ارائه شد و به پرسش اصلی این مقاله، مبنی بر اینکه نظریه بهینگی توانایی توصیف داده‌های تاتی تاکستان را دارد، پاسخ متقنی داده شد. همچنین بررسی‌ها نشان داد که مرتبه‌بندی محدودیت‌ها در این گویش متفاوت بوده، به گونه‌ای که فرایندهای متفاوتی در آن صورت می‌گیرد. به عنوان مثال، در گویش مذکور هم فرایند حذف و هم درج صورت می‌گیرد.

با افزوده شدن ضمائر شخصی پیوسته به اسم‌های مختوم به واکه در گویش تاتی تاکستان برای رفع التقاء واکه‌ها، واکه ضمیر پیوستی و نه واکه اسم، حذف می‌شود. بنابراین محدودیت دیگری از خانواده MAX-IO را براساس الگوی واژه‌بست‌های گویش تاتی تاکستان در این گونه موارد اعمال می‌شود. هر واکه در صورت دروندادی واژه‌بست، در برونداد حفظ می‌شود. (واکه واژه‌بست حذف نمی‌شود). با افزوده شدن ضمائر شخصی پیوسته به اسم‌های مختوم به واکه و التقاء آن‌ها در این گویش در مواردی، درج صورت می‌گیرد. در افزوده شدن ضمائر شخصی پیوسته به حرف‌اضافه /æz/ که دو واکه /æ/ و /ɛ/ به دنبال هم قرار می‌گیرند، واکه دوم یعنی /ɛ/ به /æ/ تبدیل می‌شود. با درج همخوان میانجی از بروز هجای بدون آغاز خودداری کرده است و به خاطر درج، الگوی هجایی تغییر کرده است. هر همخوان دروندادی واژه‌بست، دارای

معادلی در صورت بروندادی واژه‌بست می‌باشد. هر همخوان در صورت دروندادی پایه، دارای معادلی در صورت بروندادی پایه می‌باشد. در گویش مذکور، در داده‌هایی مانند /ʔâb /+pæz/ و داده‌های مشابه که در آن‌ها دو همخوان هم جایگاه به لحاظ تولیدی که اولی (در پایانه هجای اول) واکدار و دومی (در آغاز هجای دوم) بی‌واک است، همگونی ایجاد می‌شود و همخوان اول نیز به صورت بی‌واک در برونداد ظاهر می‌شود.

داده‌هایی مانند /fekr /+kârbašindæn/ و همچنین داده‌های مشابه در گویش تاتی تاکستان [fekr.kârbašindæn] تلفظ می‌شوند و براساس مرتبه‌بندی به قیمت حذف یک همخوان از بروز پایانه پیچیده در برونداد خودداری می‌شود. اگر این کلمات مانند [fekr] با الگوی هجایی CVCC پیش از تکواژهای واکه آغازین مانند /a- قرار بگیرند، برای جلوگیری از بروز پایانه پیچیده هجابندی دوباره صورت می‌گیرد.

به‌طور کلی محدودیت‌های واژه‌بستی در زبان تاتی به شرح زیر است:

ONSET >> AGREE >> COMPLX-CODA >> VOICED-CODA >> MAX-IO >>

DEP-IO >> *V-V/lar >> *V-V/V >> ALGIN-MORPH-R/L

همچنین در این مقاله نشان داده شد که ترتیب محدودیت‌های واژواجی در زبان تاتی همسو با محدودیت‌های جهانی است و قواعد به ظاهر متفاوت همانند درج، حذف و ... همگی در یک جهت و برای رسیدن به یک هدف واحد به کار می‌روند که آن را می‌توان «دسیسه» یا «همنوایی» نامید.

فهرست منابع

آهنگر، عباسعلی؛ رزم‌دیده، پریا و ناصری، زهره‌سادات (۱۳۹۶). «تحلیل بهینگی برخی از فرایندهای واجی گونه‌زبانی رودباری (اسلام‌آباد)»، پژوهش‌های زبان‌شناسی، دوره ۹، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۱-۱۶.

بی‌جن‌خان، محمود (۱۳۸۸). *واج‌شناسی: نظریه بهینگی*، تهران: سمت.

بدخشان، ابراهیم و محمد زمانی (۱۳۹۲). «تحلیل و توصیف فرایند حذف در زبان کردی کلهری»، پژوهش‌های زبان‌شناسی، سال پنجم، شماره اول، بهار، ۱۹-۳۰.

۶۳ بررسی واژه‌بست‌ها و همخوان‌های پایانی گویش تاتی تاکستان براساس نظریه بهینگی

پاک‌نژاد، محمد (۱۳۹۵). «توصیف و تحلیل فرایندهای واجی گویش دزفولی بر پایه چارچوب نظریه بهینگی»، *مجله ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین*، سال ششم، شماره سوم، پاییز، ۲۲-۱.

حیدری، فرزانه (۱۳۹۲). توصیف فرایندهای واجی گویش لکی دلفان با رویکرد بهینگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۳). *زبان‌شناسی نظری پیدایش و تکوین دستور زایشی*، تهران: سمت.

سبزی‌علی‌پور، جهان‌دوست (۱۳۹۰). *زبان تاتی*، رشت: دانشگاه گیلان.

شقایقی، ویدا (۱۳۸۶). *مبانی صرف*، تهران: سمت.

رحمانی، جواد (۱۳۹۳). *واژه‌شناسی گویش تاتی تاکستان*، تهران: گیوا.

رضی‌نژاد، محمد (۱۳۹۱). «همنوایی در ترکی آذربایجانی، مجله پژوهش‌های زبانی»، سال سوم، شماره دوم، تابستان، ۸۰-۶۱.

زاهدی، محمدصدیق (۱۳۹۲). بررسی فرایندهای واجی کردی سنندجی براساس بهینگی، رساله دکترای زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه اصفهان.

صادقی، علی‌اشرف (۱۳۸۰). *مسائل تاریخی زبان فارسی*، تهران: سخن.

صادقی، وحید و صادقی، سولماز (۱۳۹۶). «التقای واکه‌ها در کردی سورانی، مجله پژوهش‌های زبانی»، سال هشتم، شماره اول، بهار و تابستان، ۱۱۷-۱۳۶.

طاهری، عباس (۱۳۸۸). *بررسی گویش تاتی تاکستان*، تاکستان: سال.

کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه (۱۳۸۵). *واج‌شناسی رویکردهای قاعده بنیاد*، تهران: سمت.

M. Fuller, *On the special role of Faithfulness constraints in morphology-sensitive phonology: The M-Faithfulness Model*. Ph.D. dissertation, University of North Carolina. (2013).

M, Hammond, *Optimality theory and prosody: An Overview*. Massachusetts: Blackwell Publishers. (1997).

R, Kager, *Optimality Theory*, New York: Cambridge University Press. (1999).

P, Kiparsky, *A Stochastic Optimality Theory Approach to Syntactic Change*, Department of Linguistics, Northwestern University, CSLI. (2003) 473-499.

- L, Lombardi, *Positional Faithfulness and Voicing Assimilation in Optimality Theory* in JJ McCarthy (ed) *Optimality Theory in Phonology*. Oxford: Blackwell publishing. (2004) 343-364.
- J. MaCarthy. *Autosegmental spreading in optimality theory*, Linguistic Department Publication Series Paper, 27 (2011).
- A. Prince, and P. Smolensky, *Optimality theory: Constraint interaction in generative grammar*, Cambridge: MIT Press. (1993).
- D. L. Stilo, *The Tati Language Group in the Sociolinguistic Context of Northwestern Iran and Transcaucasia*, Taylor & Francis, Ltd. Press. Iranian Studies, Vol. 14, No. 3/4 ,Summer Autumn, (1981) 137-187.
- C. Uffman, *Intrusive and Optimal Epenthetic Consonants*. Toulouse Conference on English Phonology, Oxford: Blackwell publishing. (2002).
- E. Yar-Shater, *The Tati Dialect of Ramand*, in W.B. Henning and E. Yarshater, eds. *A. Locust' Leg. Studies in Honour of S.H. Taghizadeh*, London, (1962) 5-240.
- _____, *A Grammar of Southern Tati Dialects*, Paris, The Hague: Mouton. (1969)

A study of Takestan Tati clitics and final consonant elision on the basis of the Optimality Theory

J. Rahmani, M. R. Oroji and B. Rahbar

Islamic Azad University of Zanjan, Zanjan, Iran

Abstract

The present study is an attempt to investigate the morpho-phonological clitics in the Tati dialect of Takestan in the light of optimality theory. Morpho-phonological processes are phonological changes occurring in a morphological context, i.e., those that happen between morphemes. They are phonologically governed. The research was analytical and the data were collected from Tati books and local media. This study probes into the application of the morpho-phonological processes in the clitics of the Takestani Tati dialect from an Optimality Theory point of view. The results illustrated that in Tati, both elision and insertion processes happen in morphological borders, highlighting conspiracy in this language. In other words, this study concluded that the global ranking constraints also apply to Tati and the constraints in the Tati dialect were in line with the universal ones. The present study can add to the linguistic scope and knowledge of scholars, further acquainting the researchers with the morpho-phonological processes of the Tati dialect and its adaptation to the universalities of this realm.

Keywords: Tati dialect, optimality theory, consonants, Morphophonological processes, Clitics
